

نگاهی به تحلیل‌هایی که به سریال «زیرخاکی» شد

# عتیقه!



**گروه تلویزیون:** سریال زیرخاکی یکی از آن مجموعه‌های رضامانی بود که مخاطب را غافلگیر کرد و بازیگران کار بیش از هر چیز سبب درخشش این مجموعه مناسبی شدند. از پژمان جمشیدی و هادی حجازی فر گرفته تا ژاله صامتی و گوهر خیراندیش و حتی بازیگر نقش کودک کار، آشنایی زدایی از سبک کار جلیل سامان کارگردان این سریال یکی از نکات تامل‌برانگیز بود که نتیجه بدی را پیش رو نداشت. مایل بودیم در پرونده‌ای برای این سریال با کارگردان و بازیگران این مجموعه صحبت کنیم که هیچ‌یک همکاری نکردند و تمایل به گفتگو با رسانه‌ها نداشتند در نتیجه چند نمونه از نقدهای مطرح شده درباره این سریال را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

## رضاصامتی / روزنامه شرق:

ایجاد فضای مفرح و خلق خنده در زمینه یک موقعیت مبارزاتی که هم بتواند جدیت کنش سیاسی و مقاومت انقلابی را ضایع نکند و هم در سویی‌های کمیک خود به ورطه لودگی یا طنز سخیف نیفتد، کار دشواری است و جلیل سامان توانسته با موفقیت روی لبه این مرز حرکت کند. از جنبه دراماتیک نیز با قصه‌ای پر از تعلیق و کشش مواجه هستیم که در ذات آن درامی معمایی وجود دارد. در واقع قصه بر مبنای یک تعلیق و کشمکش جست‌وجوگرانه و ماجراجویانه شکل گرفته و پیش می‌رود. کشف زیرخاکی در ذات خود تعلیق و التهاب و هیجانی دارد که نوعی ریتم درونی را فارغ از چگونگی روایت ایجاد می‌کند. این ریتم درونی با تعلیق‌های بیرونی قصه به تعقیب و گریزها یا تنوع و تعدد رخدادها و خرده‌داستان‌ها که با تنوع در لوکیشن هم همراه است، کمک کرده تا مخاطب از همان ابتدا با هیجان و ریتم بالا قصه را دنبال کرده و با فرازونشیب‌های آن همراه شود. این عناصر به شکل‌گیری یک دینامیک و پویایی در قصه منجر شده و ضرباهنگ آن را تناسب بخشیده است. بدون شک لحن و روایت کمیک قصه و کستینگ هوشمندانه و درست بازیگران بر این جذابیت افزوده است.

## مانا حبیبی پور، سایت ویجی‌مگ:

زیرخاکی اثری کم‌دی در حال و هوای ساخته‌های پیشین کارگردان است با این تفاوت که هیچ‌چیز جدی نیست و قرار است با شخصیت‌هایی شوخ‌وشنگ در دل تاریخ معاصر همراه باشیم. ایده زیرخاکی به هیچ‌وجه بدیع نیست و تلاش‌های یک ساده‌لوح برای پیدا کردن گنج و زیرخاکی، دست‌مایه آثار دیگر قرار گرفته که از جمله آن‌ها می‌توان به ناپرده رنج ساخته «علیرضا پدرفاشان» اشاره کرد. با این حال حضور بازیگرانی مثل «پژمان جمشیدی»، «ژاله صامتی»، «گوهر خیراندیش»، «هادی حجازی فر» و «لادر کنار طراحی صحنه خوب، لحظه‌های بانمک و تداعی حس و حال آن سال‌ها نوید اثری متفاوت را در اولین قسمت‌ها می‌داد. اما این سریال هم نتوانست آن‌طور که انتظار می‌رفت موفق عمل کند و از مسیر اصلی منحرف شد. اما همین که سعی می‌کند در کنار خوش ساخت بودن و استفاده از تیم بازیگری قدرتمند (که شاید تنها و اصلی‌ترین برگ برنده‌اش باشد)، لحظات مفرحی خلق کند و مخاطب غمگین و کم‌حوصله این روزها را برای لحظاتی سرگرم نگه دارد، قابل احترام است.

## طهماسب صلح‌جو

به نظرم سریال زیرخاکی سریالی جذاب است به این دلیل که پرداخت شخصیت‌ها جذاب است. حضور پژمان جمشیدی در این سریال واقعاً غافلگیرکننده است؛ به‌رغم این که قبلاً هم او را در نقش‌های کم‌دی دیده‌ایم بازی او اینجا و در این نقش، جذاب و دل‌نشین است؛ ژاله صامتی هم خیلی خوب کاراکتر خودش را ارائه داده است. حتی کودک‌کی که در این سریال است در نقش کاوه بازی می‌کند از پس نقش به‌خوبی برآمده است و به عقیده‌ام این‌ها موضوعاتی هستند که باعث جذابیت یک سریال می‌شوند. وقتی شخصیت‌ها و تیپ‌ها به‌خوبی پرداخته شده باشند و بازیگران بتوانند به‌خوبی در نقش خود بدرخشند، کار خوب از آب درمی‌آید و از این نظر زیرخاکی کار خوبی است. روند داستان دچار تکرار نشده است و دائمی می‌بینیم اتفاقات جدیدی می‌افتد و هر قسمت اتفاقی می‌افتد که نمی‌گذارد قصه و ماجراها دچار لکنت و تکرار شوند و این موضوع این سریال را قشنگ کرده است.

## کیوان امجدیان / خبرگزاری میزان:

در «زیرخاکی» داستان جذاب و نوگرایی در شکل مواجهه با موضوع انقلاب و روایت اتفاقات و حوادثی که در بستر انقلاب رخ می‌دهد، دیده می‌شود. این حوادث ممکن بود در هر بستر دیگری قابل روایت باشند، اما آوردن این حوادث در بستر انقلاب کار جذابی بود که جلیل سامان به‌خوبی از عهده آن برآمد. بازی‌های بسیار خوب پژمان جمشیدی، هادی حجازی فر، ژاله صامتی و رایان سرلک؛ بازیگر کودک نشان از توانمندی سامان در بازی‌گیری از بازیگران دارد. خط داستانی خیلی خوب پیش رفت، اما ای کاش قسمت آخر این گونه تمام نمی‌شد و این تعداد مخاطب را در قسمت آخر رها نمی‌کرد. البته که فصل بعدی سریال تولید خواهد شد، اما به نظر منطقی نبود فریبز که به گنج و ثروتی رسیده به یکباره تصمیم به فروش آن در خارج از کشور بگیرد، آن هم از طریق عراق که در بحبوحه شروع جنگ بود. ای رویه برعکس قسمت‌های قبل بود که در آن‌ها تمام اتفاقات به درستی چیده و اجرا شده بود.